



## جوانان را باور کنیم

تهیه و تنظیم:  
حبیب کریمی - روزنامه نگار

با نگاهی متفاوت به  
دوازدهمین مجمع  
عمومی عادی  
جامعه متخصصین  
نساجی ایران

روز نهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ دوازدهمین مجمع عمومی عادی جامعه متخصصین نساجی ایران به همراه انتخابات هیئت مدیره دوره پنجم در آمفی تئاتر دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک ایران) برگزار شد در این راستا اگرچه سرکار خانم بیانی دست‌اندرکار سرویس گزارش مجله نساجی امروز با تهیه عکس و گزارش سنگ تمام گذاشتند و بی تردید آن را خواهید خواند اما با رخصت غیابی از خوانندگان محترم و هم‌چنین مدیرمسئول و صاحب امتیاز توانمند و جوانسال نساجی امروز، آنچه در پی می‌آید؛ برداشت روزنامه نگاری، با خدمت حضور ۵۹ سال در رسانه های نوشتاری و شنیداری و دیداری است که به لطف دوست ارجمند جوانسال مهندس امامی رؤف چندی است که رشحاتی از این نگارنده به منظر نیک اندیش خوانندگان محترم می‌رسد.

این دومین بار بود که در مجمع عمومی عادی متخصصین نساجی ایران حضور می‌افتم، دفعه نخست به سال ۱۳۸۱ بر می‌گردد که اولین مجمع عادی در دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) که از سال ۱۳۴۲ تا به حال از آن خاطره‌ها در ذهنم پایدار است برگزار شد و من متعاقب آن که به عنوان گزارشگر مجله صنعت نساجی و پوشاک حضور یافته بودم در شماره ۱۱۸ مورخ شهریور ماه ۱۳۸۱ تحت عنوان «... و من در پایان بر اشتیاق این جوانان گریستم» در هر صورت بعد از ۱۳ سال بار دیگر و این بار به عنوان عضو غیر پیوسته جامعه و در راستای همکاری با مجله نساجی امروز در مجمع حاضر شدم. هنگامی که از خیابان حافظ وارد دانشگاه صنعتی امیرکبیر شدم و خیابان مشجر و زیبای دانشکده را تا رسیدن به آمفی تئاتر دانشکده مهندسی نساجی در می‌نوردیدم، توسن خاطراتم از این دانشگاه که مربوط به ۵۲ سال پیش می‌شود از من سریع‌تر می‌دوید.

ملاقات با حبیب نفیسی (بنیانگذار پلی تکنیک) دیدار با مجتهدی - رئیس دانشگاه پلی تکنیک - و... به آمفی تئاتر دانشکده که رسیدم جمعیت جوانان علاقمند و عضو جامعه مالمال از دوستی و عشق و علاقه بود؛ در صدر محل برگزاری این افراد نشستند. دکتر

عباس آیت الهی استاد مسلم و مبرز صنعت نساجی که هم یازده سال و ۹ ماه در انجمن صنایع نساجی ایران با او ندیم و همراه بودم و هم اخیراً در نشست‌های کلوب نساجی که به همت دوست جوانسال مهندس امامی رؤف در محل نساجی امروز برگزار می‌شود.

مهندس محمد نیک پنجه که دبیر سرویس مقالات علمی مجله صنعت نساجی است و با او نیز سال‌ها در نقش‌های تخصصی استاندارد همراه بودیم. مهندس محمد مقدسی که از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ بسیاری از روزهای او به همراه هسته یا شاخه ابتدائی تشکیل جامعه به دفتر انجمن صنایع نساجی ایران می‌آمدند و او به وقع در شکل گرفتن این نهاد، رسول علاقه‌مندی بود از سوی صدها نفر که می‌خواستند برای خود تشکیلی داشته باشند.

و در نهایت مهندس سیدشجاع الدین امامی رؤف صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه ارزنده نساجی امروز که یک هفته قبل با او در مراسم آبگوشت خوری مجله ماهانه جدول کتیبه با یکدیگر بودیم و از من دعوت کرد تا در این گردهمایی‌ها حاضر شوم و حقیقتاً شور و شوق و علاقه و میل این جوانان، برایم این مصداق را تجلی ساخت که باید جوانان را باور کنیم.

سواى گزارش دبیر جامعه مهندس مجید نامی که او هم از زحمتکشان این جامعه است و بازرس و سایر قضایا وقتی دفترچه ای که خانم مدیراجرایی جامعه به همه می‌داد تورق زدم به فهرست نامزدهای انتخابات پنجمین دوره هیئت مدیره جامعه براساس حروف الفبا رسیدم. برخی از چهره های داوطلبان حضور در هیئت مدیره پنجم جامعه برایم آشنا و قرین آمد که در ذیل اشارات کوتاهی به آنها می‌کنم:

علیرضا آزادکيا که او را از شرکت هل می‌شناختم به واسطه روانشاد مرحوم حسن سمائیان که سال‌ها در هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران قرین و نزدیک او بودم.

حمیدرضا ابراهیمی، بابک اسکندرزاده، روح الله باقرزاده، محمدرضا بخشی، بهرنگ بهنیا، سیما حبیبی، بهرام حریری که از سال‌های ۱۳۷۸ تاکنون با او آشنا هستم و دوسال و ۳ ماه در شرکتی که او مدیرعامل آن

بود به عنوان مشاور روابط عمومی و اداری با وی همکاری بودم.

خلیل الرحمن خلیلی پور، سیدمحمد تقی توانائی هوشیار، مهسارائی زاده، بهنام رفیعی، ناصر زجاجی مجرد که با او در کلوب نساجی که روزهای پنجشنبه در دفتر مجله نساجی امروز برگزار می‌شود؛ آشنا شده‌ام. وی اعتقاداتی به نسل جوان دارد و معتقد است که برخی از دولتمران و حتی بخش خصوصی فعلی در صنعت نساجی باید بدنه صنعت کشور را از لحاظ دولتی رها کنند و کار را به جوانان بسپارند.

اشکان ستارزاده، شهرام شاه بابایی، فرشید شریف نژاد، حمیدرضا صباغی، کامیار صفی نژاد که او را هم از سال‌ها قبل در انجمن صنایع نساجی می‌شناختم و جزو پایه گذاران کمیته تخصصی (IT) انجمن بود. اعظم طالبیان، میررضا طاهری اطاقسرا، محمود طهرانی، حسین عابدی، حامد اسماعیل پور، خشایار فرزاد، عبدالمجید فیضی که او را نیز از انجمن صنایع نساجی ایران به واسطه حضورش در کمیته‌های تخصصی فرش ماشینی، پنبه، نخ، پتو و غیره می‌شناسم.

وحید قربانی این جوان پسر دوست داشتنی که مدتی است در کلوب نساجی او را ملاقات می‌کنم و برایش در قبولی پایان نامه و دکتری مهندسی تکنولوژی نساجی آرزوی موفقیت از محضر خداوند می‌نمایم.

شاهین کاظمی که امیدوارم برای اعضای غیر پیوسته جامعه همچون من چاره‌ای بیندیشد و امثال من راه مهمان افتخاری فرض کند! (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل)

گلناز موسوی، محمدمیرجلیلی، حمید میرزاپور، محمدحسن میری، حامد نوع پرور، پیمان ولی پور، حمید یوسف پور و بالاخره سعید قدیری سردبیر دوست داشتنی مجله نساجی امروز که از بدو پیدایش مجله یار و غار و گرمابه گلستان مهندس شجاع الدین امامی رؤف بود و ای کاش امثال من که عضو غیر پیوسته بودیم به وی رأی می‌دادیم؛

لااقل من که او، نوشته‌هایم تحمل را می‌کند و البته انشالله در موقع احتساب حق‌التحریر هوای من هم را داشته باشد!

در پشت دفترچه ای که خانم مدیراجرایی جامعه متخصصین به حصار می‌داد تسلیم می‌نمود این جملات خواندنی بود «با هم بودن آغاز است... با هم ماندن پیشرفت... با هم کار کردن موفقیت.» در کشاکش لحظات پذیرائی پس از اخذ رأی فرصت یافتیم تا با تنی چند از حاضران در مجمع گفت‌وگوئی انجام دهم که در پی می‌آید.

مهندس عبدالمجید فیضی که اینک مشاور و یکی از گروه‌های صنعتی کشور است؛ اعتقاد دارد باید از جوان‌ها در همه رسته‌های صنعتی استفاده کرد و حضور آنها در کمیته‌های تخصصی مجلس و وزارتخانه‌های مربوطه لازم و ضروری است.

#### نساجی که شاعره و فیلمساز و تدوینگر است!

بعد از بهمن فرمان آرا که از سال ۱۳۴۵ به واسطه فعالیت او در سینما و فیلمسازی تاکنون با وی آشنا هستم و در دو شماره مجله صنعت نساجی و پوشاک تحت عنوان «بوی کافور، عطریاس، دوک نخ» از او یاد کردم، این بار در اجتماع جوانان متخصص نساجی به چهره ای برخوردیم که علاوه بر تحصیل در کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، شاعره، فیلم‌ساز، اهل تهیه مستند، اکسسوار، تدوینگر است و او کسی نیست جز «زهره بهنیا» که در سینما و تئاتر دانشگاه شیراز طراحی نموده بود در آثار خسیس مولیر و بهرام بیضائی برای طراحی لباس بهره‌ها گرفته و اینک در کار مستند سازی اسکلت در بندرماهشهر است و کارگران طراحی صحنه همایش نساجی در ماهشهر را برعهده دارد، ویراستار و دستیار و نریشن چند فیلم سینمایی مهم بود و علاوه بر آن به تحصیل در کارشناسی ارشد طراحی لباس و پارچه می‌پردازد و دستی نیز برشعر دارد از نوع نیمائی! وی می‌گوید به تازگی عضو جامعه شده و علاقه‌مند است تا در حد خود، کاری برای پیشرفت جامعه انجام دهد.

#### از ایبانه تا مهندسی شیمی!

کامیار صفی نژاد که نوشتیم با او از سال‌ها قبل در انجمن صنایع نساجی ایران و کمیته (IT) آشنایم و جزو کاندیداهاست می‌پرسم چرا می‌خواهد به هیئت مدیره جامعه راه یابد... او می‌گوید «می‌خواهم از توانم در آن‌چه که در صنعت نساجی یاد گرفته‌ام برای پیشرفت جامعه و کشور استفاده کنم و بی تردید بهره‌مندی از جوانان تحصیلکرده و کارشناس در همه عرصه‌ها باعث رشد جامعه می‌شود. او نام شرکتی را که مدیرعاملش هست از روستای هینزای ایبانه که محل متبرکه ای به شمار می‌رود؛ وام گرفته و معتقد است که باید به جوانان میدان داد.

بهرام حریری که نوشتیم از سال ۱۳۷۸ تا بحال او را می‌شناسم و قبلاً در شرکتی که او مدیرعاملش بود به عنوان مشاور و روابط عمومی و اداری شرکت تحت مدیریت او به شمار می‌رفتم و اکنون مدیرعامل شرکت دیگری با این توضیح که وی از جمله کارشناسان و خبرگان و مطلعان جوراب در کشور به شمار می‌رود و در شماره روزنامه اقتصادی و یومیه آسیا با او مصاحبه‌ای درمورد جوراب انجام دادم که در نوع خود خواندنی و جالب بود.

حریری، معتقد است جایگاه جامعه متخصصین در کشور از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و دولتمردان باید از تخصص و مهارت و توانائی جوانان جامعه در رشته نساجی استفاده بهینه نمایند. صحن و سرای آمفی تئاتر دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) را ترک می‌کنم، در حالی که هیئت رئیسه مجمع در حال شمارش آراء هستند. در تردد از خیابان دانشگاه که زمان شب هنگام است، دختران و پسرانی بی‌تردید دانشجوی، را می‌بینم که هر کدام کیسه‌ای مملو از شیر و ماست و میوه و نان در دست دارند تا خود را به خوابگاه دانشجویی برسانند.

راستی که دوران دانشجویی چه دنیای جالبی است...

یادش به‌خیر... سلامت باشید.